

مطالعه جامعه‌شناختی دروغ‌گویی در روابط بیناجنسی مورد زوج‌های تهران (۱۳۹۵-۱۳۹۶)

سمیه قاسمی*

حسن محدثی گیلوایی**

چکیده

این پژوهش درصدد مطالعه جامعه‌شناختی دروغ‌گویی در روابط پایدار بینا جنسی در سه گروه زوج‌های ازدواج قانونی، هم‌خانگی‌ها و نامزدها است. برای دستیابی به الگوهای دروغ‌گویی در روابط بینا جنسی به لحاظ روشی از رویکرد کیفی و روش تحلیل مضمون استفاده شده است. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که عواملی مانند احساس ناامنی، وابستگی اقتصادی به همسر، به دست آوردن دل همسر، و عدم تفاهم و اطمینان به رابطه زناشویی منجر به دروغ‌گویی، زوج‌های ازدواج قانونی می‌شود. همچنین عواملی مانند تسهیل و کسب رضایت متقابل، کنترل و حریم شناسی، عدم استقلال در زندگی منجر به دروغ‌گویی زوج‌های نامزد می‌شود و در زوج‌های هم‌خانه‌ای عدم تعهد و مسؤلیت‌پذیری، خودخواهی و پیگیری خواسته‌های فردی و محدودیتهای خانوادگی و فرهنگی منجر به دروغ‌گویی آن‌ها می‌شود. در مقایسه‌ی بین الگوهای دروغ‌گویی، یافته‌ها حاکی از آن بود نوع روابط زوج‌های دائم و قانونی به‌صورت تام شکل می‌گیرد که در زوج‌های نامزد و هم‌خانه‌ای روابط به‌صورت محدود است. دروغ‌گویی براساس کارکردی که برای فرد دارد در زوج‌های قانونی و دائم به عنوان مفر، در زوج‌های نامزد به عنوان تسهیل در رابطه و در زوج‌های هم‌خانه‌ای به عنوان سلاح و کسب لذت بیشتر اتفاق می‌افتد.

* دانشجوی دکتری تخصصی، رشته مسائل اجتماعی ایران، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران، مرکزی
(نویسنده مسئول)، somayehghasemi82@gmail.com

** استادیار گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران، مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، mohaddesi2011@gmail.com
تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۲/۰۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۳/۲۴

کلیدواژه‌ها: دروغ‌گویی، روابط بین جنسی، ازدواج دائم و قانونی، نامزد، هم‌خانه‌ای، روابط اجتماعی تام.

۱. مقدمه و طرح مسئله

دروغ‌گویی به‌عنوان بیان امری به صورت نادرست و آگاهانه جهت گمراه کردن فرد دیگر و تلاش برای باور به آن مسأله را گویند. اگرچه انسانها سعی دارند در مناسبات اجتماعی خود جانب صداقت را حفظ کنند، با این حال "دروغ‌گویی در ارتباطات انسانها امری نادر و گه‌گاهی نیست. در واقع، شواهدی موجود است که می‌گوید، زوج‌ها در زندگی زناشویی با دلایل و انگیزه‌های بسیار دروغ می‌گویند" (دی پالو و همکاران، ۱۹۹۶ به نقل از تالوار و کروسمن (Talwar & Crossman, ۲۰۱۱)).

دروغ یکی از آفات زبان است و در فرهنگ اسلامی از گناهان کبیره شمرده شده است. شاید به همین خاطر، عامل بسیاری از گناهان نیز بوده است. در اسلام دروغ از یک طرف عملی غیر اخلاقی و از طرف دیگر مسبب اعمال غیر اخلاقی دیگر هم می‌شود. لذا نسبت به گناهان دیگر بیش‌تر حائز اهمیت است (سعیدیان، ۱۳۸۸: ۵۷).

دروغ‌گویی عوارض و پیامدهای اجتماعی نامطلوبی دارد؛ برای مثال برخی از صاحب‌نظران یکی از بزرگ‌ترین پیامدهای دروغ‌گویی را از بین رفتن اعتماد اجتماعی میان افراد، سازمان‌ها و مردم یا میان مردم و حکومت می‌دانند (محدثی و فلسفی، ۱۳۹۴: ۱۳۴).

وقتی اعتماد نباشد حتی در ابعاد مختلف زندگی روزمره هم تأثیر می‌گذارد. در واقع اعتماد اگر نباشد و دروغ که فراگیر شود تک روابط ما از روابط بین فردی در داخل خانواده گرفته تا ابعاد وسیع‌تر اجتماعی متأثر از آن خواهد بود و جو سوءظن و بدبینی حاکم خواهد شد. این بدبینی، استرس و فشار روانی شدید و دائمی را در پی خواهد داشت که تأثیرات عمده‌ای بر روابط بین افراد و سلامت عمومی خواهد داشت. رواج دروغ و دروغ‌گویی پیامدهای منفی زیادی بر شبکه روابط انسانها به تعبیری، سرمایه اجتماعی موجود در جامعه دارد. در جامعه‌ای که دروغ فراگیر شود و جای اعتماد را بگیرد سرمایه اجتماعی هم مختل می‌شود. همه‌ی ما دوست داریم در زندگی با اطرافیان و همسر خود صادقانه رفتار کنیم و متقابلاً نیز صادقانه با ما رفتار شود ولی همیشه شرایط مطابق میل

ما پیش نمی‌رود و گاهی با ناراستی‌ها و دروغ‌گویی‌ها مواجه می‌شویم. یکی از مشکلاتی که در روابط همسران وجود دارد دروغ‌گویی است. در زندگی مشترک که زن و شوهر انتظار صداقت کامل را از یکدیگر دارند، دروغ‌گویی می‌تواند مشکلات بسیار بزرگی ایجاد کند و ممکن است در مواردی هم باعث از هم پاشیده شدن خانواده شود.

در خانواده‌هایی که دروغ‌گویی بین همسران وجود دارد، عدم صداقت و بی‌اعتمادی دیده می‌شود. ممکن است در نهایت کار به جدایی و طلاق نینجامد ولی خانواده آرامش خود را از دست داده و چه بسا جای امن و آسایش برای زوجین نباشد (سفیری و میرزامومنی، ۱۳۸۳: ۱۲۸).

دروغ‌گویی امری اجتماعی است، زیرا در روابط انسانی و اجتماعی تحقق می‌یابد. ما همیشه با تصور حضور و وجود دیگری دروغ می‌گوییم. در جامعه‌ی ما نیز انواع دروغ‌گویی از تعارفات و ملاحظات روزمره، که به بخش اجتناب‌ناپذیری از دروغ‌های خاص ایرانیان تبدیل شده‌اند، گرفته تا دروغ‌هایی که هر روزه با عنوان مصلحتی یا غیر از آن به اعضای خانواده، دوستان، همسایگان، و هم‌کاران و مشتریان می‌گوییم مشاهده می‌شود (محدثی و فلسفی، ۱۳۹۴: ۱۳۵).

تحقیقات نشان می‌دهد با وجود آنکه دروغ‌گویی در اغلب فرهنگ‌ها و ادیان نکوهش شده است، در همه‌ی جوامع انسانی به‌نحو جدی شایع است. «به گزارش خبرگزاری فرانسه از لندن، پژوهشگران دانشگاه کالیفرنیا جنوبی در لس‌آنجلس در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که هر آمریکایی هر ۸ دقیقه یک بار دروغ می‌گوید» (روزنامه اطلاعات، ۱۳۷۶، ۱۹ فروردین). نتایج تحقیقاتی که برای یک نشریه‌ی روان‌شناسی در ایتالیا انجام شده، نشان می‌دهد که ۷۰ درصد از ۳۶۰ زن و مرد شرکت‌کننده در مصاحبه به خبرنگار این نشریه اعتراف کردند که روزانه ۵ تا ۱۰ بار دروغ می‌گویند. براساس این نتایج، ۴۲ درصد از ایتالیایی‌ها برای جلوگیری از اختلاف، ۲۷ درصد برای پنهان‌نگه‌داشتن اشتباهات خود و ۲۱ درصد دیگر نیز برای خیر و صلاح دیگران دروغ می‌گویند. از اعتراف‌کنندگان به دروغ‌زنانی بوده‌اند که در امور مربوط به خانه دروغ می‌گفتند و مردان نیز اغلب در مورد مشاغل خود دروغ می‌گویند (کتبی، ۱۳۷۷) با توجه به آمارهای ذکر شده، به نظر می‌رسد پدیده‌ی دروغ‌گویی در جامعه‌ی ما نیز مانند جوامع دیگر رواج دارد. دروغ‌گویی ممکن است در زنجیره‌ای از تباهی اخلاقی، مانند خیانت، دورویی، تهمت، غیبت و فریبکاری حضور داشته

باشد. این تباهی‌های اخلاقی خود معلول بسیاری از شرایط بغرنج اجتماعی دیگرند. از سوی دیگر، با توجه به شیوع نسبی این پدیده و ارتباطش با دیگر انحرافات اخلاقی از یک سو، و کاهش میزان اعتماد و هم‌بستگی اجتماعی، انجام تحقیقات و پژوهش‌هایی درباره‌ی دروغ‌گویی ضرورت می‌یابد (محدثی و فلسفی، ۱۳۹۴: ۱۳۶-۱۳۷). بررسی سوابق تحقیقاتی داخلی و خارجی نشان می‌دهد که آثار منتشر شده در باب دروغ‌گویی، اغلب در جنبه‌های نظری متوقف بوده‌اند و از منظر فلسفه اخلاق یا روانشناسی به موضوع پرداخته‌اند و در تحقیقات علم روان‌شناسی نیز بیش‌تر دروغ‌گویی کودکان مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته است تا دروغ‌گویی بزرگسالان تحقیقات موجود ویژگی‌های پدیده دروغ‌گویی تصویر جامعی ارائه نداده‌اند. در موضوع دروغ‌گویی در خانواده، به ویژه دروغ‌گویی بین همسران تحقیق و پژوهشی انجام نشده است. بنابراین، آنچه حائز اهمیت است توجه به مفهوم دروغ‌گویی از منظر جامعه‌شناختی است؛ به خصوص در مورد پدیده‌ی دروغ‌گویی بین همسران. در بادی امر انتظار می‌رود افراد در محیط‌های اجتماعی بیرونی و رای خانواده به ویژه در محیط‌های کاری و در بازار بیشتر دروغ بگویند اما تحقیق محدثی و فلسفی نشان داد که در خانواده افراد بیشتر بهم دروغ می‌گویند. در این تحقیق و در مقایسه سه گروه از زنان و سه موقعیت اجتماعی (زنان خانه دار، زنان کارمند و زن شاغل آزاد) " زنان در موقعیت های زن خانه دار بیشترین دروغ را می گویند." (محدثی و فلسفی، ۱۳۹۴: ۱۵۲) آنها همچنین در این تحقیق دو پرسش باز مطرح کردند مبنی بر اینکه اگر (۱) امکان دارد بدترین دروغی را که تا به حال شنیده‌اید تعریف کنید. (۲) بیشترین دروغ را به چه کسانی گفته‌اید مجموعه‌ی پاسخ‌هایی که به این دو پرسش باز داده شد شگفت آور بود. زنان بیان کردند که درجه اول بیش‌ترین دروغ را به فردی از جنس مخالف که با او رابطه عاطفی جنسی (همسر، نامزد، دوست پسر) داشتند، گفتند. در درجه دوم بیش‌ترین دروغ را به افراد خانواده‌ی خود گفتند و در وهله سوم بیش‌ترین دروغ را به افراد غریبه گفتند. این نتایج نیازمند تبیین و تحلیلی جامعه‌شناختی بود. محدثی در توضیح این نتایج از ایده‌ی روابط اجتماعی تام استفاده کرده است. از نظر وی رابطه‌ی اجتماعی تام رابطه‌ای است که در آن افراد در همه یا اکثر جوانب زندگی به شراکت می‌پردازند؛ از بعد اقتصادی گرفته تا بعد عاطفی، جنسی، اجتماعی، حقوقی و غیره. معمولاً در این گونه روابط افراد بیش‌ترین تعامل را با یکدیگر دارند به همین دلیل آنان زمان قابل توجهی را در ارتباط با یکدیگر سپری می‌کنند. لذا بیش‌ترین شناخت را از هم پیدا می‌کنند و همچنین انتظارات زیادی از

همدیگردارند در نتیجه در مقایسه با انواع دیگر روابط اجتماعی بیش‌ترین کنترل را برهم اعمال می‌کنند. در شرایط سخت برای این‌که بتواند از زیر کنترل دیگری خارج شوند به دروغ‌گویی متوسل می‌شوند. بنابراین ما متوجه این نکته شدیم که اگر زوج‌های متفاوتی را مورد مطالعه قراردهیم، می‌توانیم به نحو تجربی این گزاره نظری را محک بزنیم. به این ترتیب سه گروه از زوجین را که از نظر نوع رابطه با هم تفاوت دارند برای مطالعه برگزیدیم. اما از آنجایی که نگران بودیم این ایده نظری، نتایج تحقیق را به سمت خاصی جهت دهد از ایده رابطه اجتماعی تام فقط به عنوان یک ایده حساس کننده در مصاحبه نامه استفاده کردیم و پرسش‌های مصاحبه نامه را به نحوی طراحی کردیم که امور متنوعی علاوه بر میزان اعمال کنترل بر یک‌دیگر و نیز راست‌گویی و دروغ‌گویی قابل مطالعه باشد. برای گردآوری داده‌ها از روش کیفی (تحلیل مضمون) استفاده کردیم و پس از گردآوری داده‌ها به تحلیل آن‌ها پرداختیم. اینجا بود که به نظر رسید ایده‌ی رابطه‌ی اجتماعی تام برای توضیح دروغ‌گویی در روابط بینا جنسی کارآمد است. با توجه به تحقیقات بسیار اندک و معدود، مطالعه‌ی کیفی دروغ‌گویی بین زوجین ضرورت پیدا می‌کند. دروغ‌گویی همسران به یک‌دیگر منجر به بی‌اعتمادی، شک و بدگمانی و ایجاد سوءظن بین زن و شوهر می‌گردد و روابط بین همسران را مختل می‌کند. لذا توجه به پدیده‌ی دروغ‌گویی در روابط همسران مهم است. در مقاله‌ی حاضر کوشیده‌ایم به تبیین جامعه شناختی دروغ‌گویی در روابط پایدار بین جنسی در سه گروه ازدواج دائم و قانونی، هم خانگی‌ها و نامزدها پردازیم.

مهمترین سؤالات تحقیق عبارتند از:

۱. زوج‌هایی که ازدواج دائم و قانونی انجام دادند در چه شرایط و موقعیت‌هایی بیشتر بهم دروغ می‌گویند؟
۲. زوج‌هایی که تجربه‌ی هم‌خانگی را دارند، در چه موقعیت‌هایی بیشتر بهم دروغ می‌گویند؟
۳. آیا تفاوتی در دروغ‌گویی بین زوج‌هایی که ازدواج دائم و قانونی انجام دادند با زوج‌های هم‌خانه و نامزدها وجود دارد؟
۴. دروغ‌گویی در روابط بین دختران و پسرانی که طی مدتی معین نامزد هستند، چگونه است؟

۲. مروری بر تحقیقات پیشین

مطالعات و تحقیقات داخلی چندانی درباره دروغ‌گویی انجام نشده است. مطالعات و تحقیقات خارجی درباره دروغ‌گویی نیز بیش‌تر در حوزه‌ی فلسفه‌ی اخلاق و روان‌شناسی انجام شده است و مطالعات جامعه‌شناختی درباره‌ی این پدیده کم‌تر دیده شده است. با توجه به اینکه در سالهای اخیر در کشورمان تلاش‌های زیادی در جهت بررسی مسائل زناشویی در کشور صورت گرفته است، در مورد "دروغ‌گویی در روابط پایدار بین جنسی" تحقیقی صورت نگرفته است و اکثر تحقیقات مربوط به موضوع دروغ‌گویی، اغلب به صورت نظری بوده است. ابتدا تحقیقات داخلی در حوزه‌ی اخلاق اسلامی و فلسفه‌ی اخلاق، روان‌شناسی و جامعه‌شناسی آورده می‌شود و سپس به تحقیقات خارجی اشاره می‌شود. در حوزه‌ی اخلاق اسلامی آیت‌الله دستغیب، سید حسن اسلامی و مهدی بازرگان، دروغ‌گویی را از منظر دینی مورد بحث و بررسی قرار دادند، (دستغیب، ۱۳۸۴، اسلامی، ۱۳۸۵، بازرگان ۱۳۹۳). اترک (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان «چیستی دروغ» به ماهیت و معنای دروغ در دید سنت اسلامی و سنت غربی پرداخته است و شروط واقع شدن دروغ را در دید دانشمندان اسلامی بررسی کرده است. اترک بیان می‌کند که از دیدگاه اشاعره، دروغ قبح ذاتی ندارد. طبق این دیدگاه، قبح دروغ به خاطر مضراتی است که دارد؛ لذا هر جا نفع دروغ بیش‌تر از ضررش باشد دروغ جایز است. اترک (۱۳۹۲) در مقاله‌ای دیگر تحت عنوان معنای دروغ مصلحت‌آمیز به بررسی معنای دروغ مصلحت‌آمیز پرداخته است. او دروغ‌گویی را یک عمل غیر اخلاقی می‌داند. اما هم عقل و هم شرع دروغ‌گویی را در برخی مواقع مانند جایی که موجب نجات جان بی‌گناهی می‌شود، جایز می‌داند. اترک در این مقاله با بررسی موارد جواز دروغ‌گویی از نظر عقل و شرع، تعریفی از دروغ مصلحت‌آمیز ارائه می‌کند. دروغ مصلحت‌آمیز یعنی دروغی که به خاطر «ضرورت» انجام می‌گیرد که شامل سه مورد کلی اکراه، اضطرار (که خود شامل دفع ضرر جانی، آبرویی و مالی قابل توجه است) و دفع افسد به فاسد در دوران امر بین دو محذور است و به خاطر اصلاح بین مردم گفتنش جایز است. همچنین دروغ‌گویی براساس روایات، برای برخی مصالح مهم ولی غیرضروری جایز شمرده شده است که تحت عنوان «اصلاح رابطه بین مردم» قابل جمع است. بنابراین، دروغ‌گویی نه از نظر عقل و نه شرع به خاطر مطلق منفعت و مصلحت آن‌گونه که درعرف مردم از معنای دروغ مصلحت‌آمیز فهمیده می‌شود، به هیچ وجه تجویز نشده است. در حوزه‌ی روانشناختی، اسعدی (۱۳۸۴) در مقاله‌ی خود به بررسی

تحول درک مفهوم دروغ و اشتباه در کودکان مقاطع مهد کودک، پیش دبستانی و کلاس دوم ابتدایی شهر اصفهان پرداخته است. بدین منظور ۱۲۳ کودک (۶۱ پسر و ۶۲ دختر) به صورت تصادفی با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای از سه مقطع مهد کودک، پیش دبستانی و کلاس دوم ابتدایی ۳ منطقه‌ی جغرافیایی شمال، مرکز و جنوب شهر اصفهان انتخاب شدند. ۶۹ درصد کودکان گروه مهد کودکی، ۸۵ درصد گروه پیش دبستانی و ۹۵ درصد گروه کلاس دوم توانستند مفهوم دروغ را درک کنند و این درحالی بود که فقط ۲۱ درصد کودکان مهد کودکی، ۴۵ درصد گروه پیش دبستانی و ۸۵ درصد گروه کلاس دوم توانایی درک مفهوم اشتباه را داشتند. علاوه بر این، یافته‌ها حاکی از آن بود که تفاوت معنی‌داری بین دو جنس از نظر متغیرهای مورد بررسی وجود ندارد. علی سیلانیان طوسی (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان "دروغ (بررسی عوامل مؤثر بر دروغ‌گویی)" دروغ‌گویی را از نظر لغوی به معنای کتمان واقعیت و بیان سخنی تعریف می‌کند که واقعیت خارجی برای گوینده ندارد. طوسی در این مقاله به عوامل مؤثر بر دروغ‌گویی کودکان و بزرگسالان جداگانه توجه می‌کند و سپس شیوه‌های شناخت عوامل دروغ‌گویی و همچنین پیش‌گیری و درمان آن را ارائه می‌کند. در دروغ‌گویی کودکان، والدین و مربیان باید توجه داشته باشند که لازم است تغییراتی در رفتار و کیفیت ارتباط آن‌ها با کودکان صورت گیرد تا به تدریج از شدت این رفتار کاسته شود و از بین برود و دروغ‌گویی بزرگسالان نمونه‌ای از انعکاس و تجلی سیر قهقرایی آنان به مرحله‌ی کودکی است و جامعه‌ی دروغ‌گو جامعه‌ای است نابالغ و فرو افتاده و دچار نایمندی. در حوزه‌ی علوم اجتماعی، کسبی (۱۳۷۷) در مقاله‌ای با عنوان "جایگاه دروغ و الگوهای رفتاری آن در روابط اجتماعی ما" الگوهای برای تعریف این رفتار با استفاده از عامل انسانی و عامل وضعیتی ارائه می‌دهد. منظور از عامل انسانی در نظر گرفتن گوینده و شنونده دروغ است. و منظور از عامل وضعیتی، در نظر گرفتن میزان آگاهی و واکنش شنونده در برابر شنیدن دروغ است. مقاله‌ی محدثی و فلسفی (۱۳۹۴) "تحلیلی جامعه‌شناختی از آمادگی برای دروغ‌گویی" با روش کمی و استفاده از تکنیک پرسش‌نامه در میان ۲۸۰ زن ساکن و شاغل در منطقه ۶، از سه گروه زنان خانه‌دار کارمند و شاغل آزاد انجام شد. نتایج این تحقیق نشان داد که به‌طور کلی زنان، فارغ از پایگاه اجتماعی شان، بیش‌تر به منظور کسب منفعت و سود دروغ می‌گویند. در موقعیت‌هایی که روابط اجتماعی شان به خطر می‌افتد یا در موقعیت‌هایی که در معرض فشار قرار می‌گیرند، دروغ می‌گویند. هم‌چنین بیش‌تر زنان در موقعیت‌های زن‌خانه‌دار بیش‌ترین دروغ را

می‌گویند. این نشان می‌دهد برای زنان، زندگی خانوادگی و محیط خانواده هم چنان بیش‌ترین چالش را در بردارد. هم‌چنین به نظر می‌رسد زنان بسیاری از موقعیت‌هایی را که مربوط به دروغ‌ظاهر مصلحت‌آمیز می‌شود دروغ نمی‌دانند و از گفتن این دروغ‌ها احساس ناراحتی نمی‌کنند. دروغی که زنان درباره آن بیش‌تر از همه ابراز مخالفت کرده‌اند دروغ‌هایی است که در موقعیت‌های مشاغل آزاد و به منظور کسب سود و منفعت گفته می‌شود. در میان آثار خارجی، بارنز (۱۹۹۴) در کتاب یک بقیچه دروغ: به سوی جامعه‌شناسی دروغ‌پردازی، را منتشر کرده است. این کتاب در ۱۱ فصل تدوین شده است. او در سه فصل اول دروغ را در حوزه‌های اجتماعی مختلف بررسی می‌کند، او در این کتاب ابتدا از حوزه‌هایی شروع می‌کند که دروغ گفتن در آن‌ها رایج و مورد انتظار است و به حوزه‌هایی می‌رسد که دروغ‌گویی در آن‌ها بی‌مسئولیتی و احتمالاً غیر معمول است. او به دروغ‌های جنگ‌پردازانه و دروغ‌های سیاسی، تأثیر هنجارهای فرهنگی بر الگوهای دروغ‌گویی، تأثیر نوع ارتباط موجود بین دروغ‌گو و فریب‌خورده، خود فریبی و فنون تشخیص دروغ می‌پردازد. جیونگ چو (۲۰۱۱) نیز مقاله‌ای با عنوان "تفاوت‌های فرهنگی در نحوه تبیین گرایش افراد به دروغ‌گویی و راست‌گویی" نوشته است. این مقاله گزارشی از دو مطالعه درباره‌ی دروغ‌گویی ارائه می‌کند. مطالعه حاضر به بررسی تفاوت‌های فرهنگی بین کره و آمریکا در مؤلفه‌های نگرشی و هنجاری که بر تبیین افراد از تمایل خود به راست‌گویی یا دروغ‌گویی تأثیرگذار هستند، پرداخته است. این تحقیقات حاکی از آن است که به صورت میان فرهنگی، مردم کره وقتی مجبور می‌شوند دلایل دروغ‌گویی خود را به خاطر یک دوست توضیح دهند، از دلایل هنجاری استفاده می‌کنند، در حالی که مردم آمریکا در صورت تبیین دلیل راست‌گویی خود به خاطر یک دوست از دلایل هنجاری استفاده می‌کنند. مردم کره در مقایسه با مردم آمریکا، دروغ‌گویی به خاطر یک دوست را کمتر به صورت منفی ارزیابی می‌کنند. یافته‌ها نشان می‌دهد که در جوامع فردگرا، بهانه‌های رابطه محور چندان پذیرفته نیستند. در واقع در این فرهنگ‌ها صفات فردی مهم‌تر از عناصر فرهنگ‌های، جمع‌گرایانه نظیر فرهنگ کره هستند. هریس (۲۰۱۳) در کتاب دروغ/اراده آزاد: دروغ بی‌اعتمادی و غیر قابل اعتماد بودن را در عملی واحد خلاصه می‌کند. دروغ هم ناتوانی از فهم دیگران است، هم بی‌اشتیاقی به فهمیده شدن. دروغ گفتن نوعی پس‌نشستن از ایجاد رابطه است. ما با دروغ‌گویی امکان نگاه به جهان را آن‌چنان که

هست، از دیگران دریغ می‌کنیم. بی‌صداقتی ما نه تنها بر تصمیم‌هایی که دیگران می‌گیرند اثر می‌گذارد، بلکه غالباً معین می‌کند آن‌ها اساساً چه تصمیم‌هایی می‌توانند بگیرند. بررسی سوابق تحقیقاتی داخلی و خارجی نشان می‌دهد که آثار منتشر شده در باب دروغ‌گویی، اغلب در جنبه‌های نظری متوقف بوده‌اند و از منظر فلسفه اخلاق، روان‌شناسی یا دینی به موضوع پرداخته‌اند. در تحقیقات روان‌شناختی بیش‌تر دروغ‌گویی کودکان مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته است. در موضوع دروغ‌گویی در خانواده، به ویژه دروغ‌گویی بین همسران تحقیق و پژوهشی انجام نشده است. بنابراین، آنچه حائز اهمیت است توجه به مفهوم دروغ‌گویی از منظر جامعه‌شناختی است به خصوص در مورد دروغ‌گویی در روابط زناشویی و بیناجنسی مطالعه‌ی کیفی دروغ‌گویی بین زوجین ضرورت پیدا می‌کند.

۳. مبانی نظری تحقیق

رویکردهای مختلفی در مورد دروغ‌گویی ارائه شده است که به منظور پرهیز از اطناب مهمترین آن‌ها آورده شده است. دروغ در همه ادیان امری ناپسند است. ابتدا دروغ از رویکرد دینی و از نظر متفکران اسلامی بیان می‌شود. در آیات قرآن کریم که در ذم دروغ‌گویی آورده شده و بیان روایات از پیامبر و معصومین درباره دروغ، بیان خطرات و آفات ناشی از دروغ بیان شده است و متفکران اسلامی نیز دروغ مصلحت‌آمیز را مطرح می‌کنند و دروغ‌گویی در دو مورد: ضرورت و اصلاح، ضرورت شامل سه مورد کلی: اکراه، اضطرار (که خود شامل دفع ضرر جانی، آبرویی و مالی قابل توجه است) جایز می‌دانند. رویکرد اخلاقی در دیدگاه اخلاق سودمندگرا، دیدگاه فضیلت، اخلاق مراقبت و اخلاق تکلیف‌گرا در دروغ و هنجار صداقت مطرح می‌شود. در دیدگاه اخلاق سودمندگرا، رعایت هنجار صداقت به علت نفع همگان آن برای جامعه تأکید فراوانی دارد. در این دیدگاه هر کنش باید براساس آثار مثبت و منفی آن ارزیابی شود. در دیدگاه فضیلت، پرورش عزت نفس، خود باوری خودبستگی، هویت خانوادگی، انضباط فردی و تمایل به رعایت بازی منصفانه از جمله وظایف نهادها و عوامل تربیت خانواده و مدرسه است. با رشد چنین فضایی، رذایل اخلاقی از جمله دروغ‌گویی و ناراستی کاهش می‌یابد. طرفداران دیدگاه اخلاق مراقبت معتقدند عشق و عاطفه منشأ تمام رفتارهای فری و صحیح از جمله صداقت است. اخلاق تکلیف‌گرا در مقابل دیدگاه مراقبت، قرارداد دارد. در این دیدگاه هیچ شرطی برای اجرای دستورهای اخلاقی وجود ندارد و برای هر یک از افراد

تبعیت از فرمان‌های قطعی اخلاقی مهم‌ترین وظیفه انسانی است. رویکرد فلسفی به دروغ از نظر کانت و آگوستین، قائلین به ممنوعیت مطلق دروغ، دروغ‌گویی را به طور مطلق عملی زشت و غیر اخلاقی می‌دانند و به هیچ وجه، تحت هیچ شرایطی آن را جایز نمی‌دانند. آگوستین مخالف جواز دروغ‌گویی است و با استناد به کتاب مقدس و با این استدلال که اگر دروغ به خاطر ضرورت جایز گردد، پس باید قتل و زنا، مصلحتی نیز وقتی نتایج بسیار خوبی داشته باشد جایز گردد، آگوستین دروغ را به هیچ وجه جایز نمی‌داند. کانت نیز دروغ‌گویی را مطلقاً ممنوع می‌داند به نظر او اگر قوانین اخلاقی استثناء گردد، دیگر قطعیت خود را از دست داده و تبدیل به قوانین بی فایده خواهد شد. بنابراین اصل اخلاقی ممنوعیت دروغ‌گویی یک اصل عقلی مطلق و استثنا ناپذیر است. رویکرد روانشناختی به دروغ، روانشناسی رشد پیازه و کلبه‌رگ به طور کلی به عقیده روان‌شناسان دروغ‌گویی جنبه یادگیری دارد یعنی کودک از خانواده و جامعه دروغ را می‌آموزد. و دروغ‌گویی در کودکان یکی از مراحل فرایند رشد محسوب می‌شود. دروغ برای کودک یک نوع فرار از حقیقت است و روند سنی مشابهی در مورد برداشت کودکان از دروغ‌گویی وجود دارد در جریان رشد ایده‌های کودکان درباره دروغ‌گویی، به تدریج ملاحظات فیزیکی خارجی کاهش پیدا می‌کند و ملاحظات غیرمحسوس افزایش می‌یابد. مسیری قطعی در رشد اخلاق از فازهای اولیه به فازهای کامل‌تر است. قضاوت اخلاقی درونی‌تر یا خود مختار که در بردارنده توجه به زمینه‌های روان‌شناختی است. رویکرد جامعه‌شناختی به موضوع دروغ‌گویی: کنش متقابل نمادین، نظریه نمایشی (گافمن):

در یک بازی نمایش، و برای نمایاندن هر پیامی، مقدماتی انجام می‌گیرد تا نقش بازی شده بتواند پیام مورد نظر را ابلاغ کند. در کنش متقابل روزانه نیز، قاعده‌های بازی کردن نقش‌ها به ناگزیر فرآیندی مشابه را طی می‌کنند. این مقدمات پیش از اجرای نقش، که در پشت صحنه‌ی نمایش انجام می‌گیرد در نمایاندن درست پیام، یعنی بازی نقش، که در جلوی صحنه رخ می‌دهد، بسیار مؤثر است. در هر نمایش اثاثیه و لوازم مورد نیاز برای نمایش در پشت صحنه تماشایی تدارک دیده می‌شود، مثل گریم؛ لباس، یا دیگر لوازم مورد نیاز یعنی بنا بر متن نمایش، اثاثیه‌ی صحنه و بازیگران دیگری که در نمایش همبازی بازیگر خواهند بود، هماهنگی‌های لازمی انجام می‌شود تا بهترین کنش و مناسب‌ترین ارائه‌ی کنش به تماشاگر کشف شود. روشن است که دانش و شناخت روحیه و کنش‌های تماشاگران برای کشف مناسب‌ترین بازی از مهم‌ترین اثاثیه‌ی پشت صحنه به شمار می‌آیند. بنابراین هر کنش در بازی نمایش با توجه به

کنش متقابل تماشاچیان بایستی تنظیم شود. گافمن به نکته‌ای تازه‌تر توجه می‌کند و آن چیزی نیست مگر تلاش بازیگران برای نمایاندن یا نمایش چیزی که شاید هم واقعی نباشد، یا از دید تماشاگر پنهان مانده است، یعنی در واقع تنها نمایش یا نمایه‌ای است که بازیگران مایل هستند آن‌ها را به تماشاچیان بنمایانند، و به تعبیری دیگر، مایل هستند باوری را به مردم بقولانند (گافمن، ۱۹۶۹ به نقل از تنهایی، ۱۳۹۱، ۲۹۵).

گافمن چنین می‌پنداشت که افراد در هنگام کنش متقابل می‌کوشند جنبه‌ای از خود را نمایش دهند که مورد پذیرش دیگران باشد. گافمن مدیریت تأثیرگذاری را شگردهایی می‌داند که کنش‌گران برای حل مسایلی که احتمالاً ممکن است در این زمینه با آن روبرو شوند از آنها استفاده می‌کنند (ریترز، ۱۳۷۴:۲۹۲).

"او می‌گوید از آنجا که بیشتر انسان‌ها می‌کوشند تا تصویری آرمانی از خودشان را در جلوی صحنه به نمایش گذارند به ناگزیر احساس می‌کنند که ضمن اجرای نقش هایشان باید چیزهایی را پنهان نمایند. بنابراین کنش‌گران خطایی را که ضمن آمادگی برای اجرای نقش مرتکب شده‌اند و نیز کارهایی را که برای تصحیح این خطاها انجام داده‌اند از دید حضار پنهان می‌کنند" (همان: ۲۹۳). در واقع بازی نقش و روابط مبتنی بر دروغ تحقق می‌یابد. دروغ گو باید جلوی صحنه را چنان بیاراید تا بیننده و شنونده از آن خوشش بیاید و در حرف‌های او منطق و استدلال را ببیند. از نظر گافمن انسان‌ها می‌کوشند تصویر آرمانی از خودشان به نمایش بگذارند، ضمن اجرای نقش چیزهایی را پنهان می‌کنند. جنبه‌ی دیگر نمایش جلوی صحنه است که کنش‌گران غالباً می‌کوشند این برداشت را به حضارشان القاء کنند که به آن‌ها بسیار بیشتر از آنچه که واقعاً هستند، نزدیک‌اند. برای القای این برداشت باید مطمئن باشند که حضار چنان از صحنه دورند که متوجه دروغ بودن اجرای نقش آنها نمی‌شوند. بنا بر استدلال گافمن حتی اگر دروغ آنها آشکار شود، خود حضار ممکن است چنان خودشان را با این دروغ تطبیق دهند که تصویر آرمانی شان از بازیگر مخدوش نگردد. نظریه کنش متقابل زیمل نیز پتانسیلی برای تبیین پدیده اجتماعی دروغ‌گویی دارد.

کنش متقابل نمادین (زیمل): از نظر زیمل "هر قدر انسان به کسی نزدیک‌تر باشد، احتمال بیشتری می‌رود که با دروغ گفتن او یا پنهان کاری او آسیب ببیند. زیمل می‌گوید که در گروه‌های «ابتدایی» تر، دروغ‌گویی نسبتاً بی‌اهمیت است، زیرا افراد، زندگی کم و بیش خودکفایی را در گروه دنبال می‌کنند و روابط متقابل در حداقل است. جامعه‌های مدرن،

برعکس، جامعه‌های «اعتباری» هستند؛ ما به شمار زیادی از انسان‌ها برای گفتن حقیقت آن‌چه آن‌ها انجام می‌دهند وابسته‌ایم، و اگر آن‌ها از کمک به ما دریغ کنند به‌طور قابل ملاحظه‌ای رنج می‌بریم. او می‌گوید که در جامعه‌های مدرن دروغ معادل عقلانی چماق راهزن است. زیمِل راز را به آن‌چه او ابعاد اصلی روابط انسانی می‌داند مربوط می‌کند. همکاری و هماهنگی، از یک طرف، و فاصله و رقابت از طرف دیگر و گستره‌ای از روابط را بر طبق درجه‌شناختی که شرکت‌کنندگان ممکن است از یکدیگر داشته باشند بررسی می‌نماید. در گروه ساده‌ذی نفع مثلاً شاخه‌ای از اتحادیه کارگری، تمام چیزی که فرد باید بداند این است که با دیگران منفعت یکسانی دارد. هر چه بیشتر به طرف روابطی برویم که ریشه در تمامیت شخصیت دارد بیشتر می‌خواهیم درباره‌ی شخص دیگر بدانیم. زیمِل ارزش اجتماعی خاصی به آشنایی و رازداری، و به دوستی متمایز می‌دهد، در مقایسه با گرایش کودک‌وار برای آشکار کردن همه چیز، توانایی پنهان کردن واقعیت‌ها «یکی از بزرگ‌ترین دستاوردهای آدمی است.» مادام که تمدن گسترش می‌یابد، آنچه که زمانی آشکار بود پنهان می‌گردد و آن‌چه زمانی پنهان بود آشکار می‌گردد. امور عام آشکار می‌شود و زندگی‌های فردی خصوصی می‌گردد. رازداری جذابیت خاص دارد: داشتن راز فرد را متمایز نموده و احساس تملک خاص به او می‌دهد؛ مردم اگر بدانند که شما رازی دارید حسادت خواهند کرد، و این منجر به وسوسه‌شدیدی برای خیانت می‌شود. اگر من تنها کسی باشم که می‌دانم رئیس معشوقه‌ای دارد، وسوسه‌لو دادن او شدید است. اهمیت رازداری با فرآیند تفرد گسترش می‌یابد و آن را تقویت می‌کند، صاحب راز فاصله اجتماعی خود را از دیگران افزایش می‌دهد و سرانجام بر آن فاصله تکیه می‌کند. " (راستین ۱۹۹۱ به نقل از یان کرایپ ۱۳۸۹، ۲۷۸). در واقع بحث زیمِل بین دروغ‌گویی و کتمان در نوسان است پنهان کردن و نگفتن رازها به پدیده کتمان اشاره دارد و کتمان غیر از دروغ‌گویی است مطابق تعریف محدثی از دروغ‌گویی در دروغ‌گویی فعل گفتن (telling) رخ می‌دهد در حالی که در کتمان با نگفتن و پنهان کردن مواجه هستیم. زیمِل در بحث اعتماد نیز مطرح می‌کند که جامعه ترکیبی از روابط مبادله‌ای میان افراد است. پس در حرکت مداوم است مبادله شکل خالص و اصلی‌ترین شکل هم‌کنشی متقابل انسان‌هایی است که در آن منافع دنبال می‌شود. هرکنش متقابلی باید هم‌چون مبادله قلمداد گردد. یکی از کارکردهای مبادله ایجاد پیوندهای درونی بین افراد است. مهم‌ترین شرایط مبادله اعتماد است. بدون اعتماد عمومی افراد نسبت به یک دیگر، جامعه تجزیه می‌گردد. اعتماد، روابط اجتماعی را

مستحکم می سازد و یکی از مهم ترین نیروهای ترکیبی جامعه است. برخلاف کذب و دروغ که روابط اجتماعی را سست می کند و یکی از مهم ترین عوامل تجزیه جامعه است. رویکرد جامعه شناختی، روابط اجتماعی تام، دروغ گویی (محدثی، ۱۳۹۶).

رابطه‌ی اجتماعی تام رابطه‌ای است که در آن افراد در همه یا اکثر جوانب زنده‌گی به شراکت می‌پردازند: از بعد اقتصادی گرفته تا بعد عاطفی، جنسی، اجتماعی، و غیره. معمولاً در این گونه روابط افراد بیش‌ترین تعامل را با یکدیگر دارند. به همین دلیل، آنان زمان قابل توجهی را در ارتباط با یکدیگر سپری می‌کنند. رابطه‌ی تام معمولاً حول مهم‌ترین و حیاتی‌ترین نیازهای انسانی شکل می‌گیرد: نیاز به امنیت و برخورداری از حمایت، نیاز عاطفی، نیاز جنسی، نیاز به تأیید و به رسمیت شناخته شدن، نیاز اقتصادی، و غیره. در نتیجه، انتظارات افرادی که واجد رابطه‌ای تام با یکدیگر هستند، به مراتب بیش‌تر از انتظارات آنان از دیگران است. به همین دلیل، امکان این‌که آنان به‌آسانی و هر چه بیش‌تر از رفتار و عمل‌کرد یکدیگر ناخشنود شوند، بسیار زیاد است. هم‌چنین، در روابط تام افراد بیش‌ترین آگاهی را از امور خصوصی و شخصی یکدیگر دارند، و به‌طور بالقوه، بیش‌ترین نظارت را بر کار و رفتار و احوال یکدیگر می‌توانند داشته باشند. معمولاً در عمل نیز بسیاری از افرادی که رابطه‌ای تام با یکدیگر دارند، خواسته یا ناخواسته بیش‌ترین نظارت و کنترل را نیز بر یکدیگر اعمال می‌کنند. به همین دلیل، در روابط تام، طرفین -گاه بی‌آن‌که متوجه باشند- فشار زیادی بر یکدیگر وارد می‌کنند و حجم زیادی از وظایف را برای هم تکلیف می‌کنند. گاهی افراد نسبت به دیگری رابطه‌ی تام، احساس تملک می‌کنند و هیچ قلمرو خصوصی برای وی قایل نیستند. در نتیجه، به تاخت و تاز در همه‌ی قلمروهای زنده‌گی‌شان می‌پردازند و خود را برای تصرف تمامی قلمروهای خصوصی آنان مجاز و محق می‌دانند (محدثی، ۱۳۹۶).

انواع دروغ دروغ گویی از نظر محدثی: دروغ گویی کار - گفتنی است که به قصد آنی فریب مخاطب یا عدم پاسخ گویی در مقابل وی و نیز به قصد آتی دست یابی گوینده به دستاوردی معین بیان می‌شود. دروغ گویی ۴ مؤلفه دارد:

۱- گوینده ۲- مخاطب ۳- کار- گفت ۴- زمینه.

موقعیت دروغ‌گویی بر مبنای کارکرد برای شخص دروغ‌گو به سه دسته تقسیم می‌شود
۱- دروغ‌گویی به مثابه مفر ۲- دروغ‌گو به مثابه دام و سلاح ۳- دروغ‌گو به مثابه گریس (دروغ‌گویی معطوف به تسهیل و تلطیف روابط اجتماعی) (محدثی، ۱۳۹۴: ۱۴۲-۱۴۵).

۴. روش تحقیق

این تحقیق مطالعه اکتشافی است که درصدد است تجربه‌ی زمینه‌ی زوج‌های ساکن تهران را در مورد دروغ‌گویی و موقعیت‌هایی که در زندگی آنها را به سمت دروغ‌گویی سوق می‌دهد را مطالعه و استخراج کند. در این تحقیق برای دستیابی به الگوهای دروغ‌گویی در روابط بیناجنسی به لحاظ روشی از رویکرد کیفی و روش تحلیل مضمون استفاده شده است. در روش تحلیل مضمون جهت دستیابی به پاسخ سؤالات از مقوله‌هایی که از داده‌های کیفی (مثلاً مصاحبه‌های کیفی) استخراج شده‌اند، بهره گرفته می‌شود. یکی از روش‌های کارآمد تحلیل کیفی، تحلیل مضمون است. تحلیل مضمون یکی از مهارت‌های عام و مشترک در تحلیل‌های کیفی است. به همین دلیل، بویاتزیس (۱۹۹۸، ۴)، آن را نه روشی خاص بلکه ابزاری مناسب برای روش‌های مختلف بیان می‌کند. ریان و برنارد (۲۰۰۰) نیز کدگذاری مضامین را فرایند پیش‌نیاز تحلیل‌های اصلی و رایج کیفی معرفی می‌کنند تا روشی منحصر به فرد و خاص. جامعه‌ی آماری این تحقیق شامل سه دسته از زوجین است که وارد اشکال مختلفی از روابط بیناجنسی شده‌اند: گروه اول زنان و مردانی که ازدواج قانونی و دائمی کردند در این گروه افراد مصاحبه‌شونده درآمد، تحصیلات و مشاغل گوناگونی داشتند. افراد دارای پایگاه اجتماعی و اقتصادی یکسانی نبودند از همه طبقات برای مصاحبه استفاده شده است. گروه دوم زنان و مردانی که تجربه زندگی مشترک بدون ازدواج داشتند (هم‌خانگی‌ها): بیشتر افراد مصاحبه‌شونده هم‌خانه، از نظر سطح تحصیلات و درآمد، شغل، نسبت به افراد دارای ازدواج قانونی و دائم پایگاه بالاتری داشتند. گروه سوم نیز زنان و مردانی بودند که نامزد کردند. آنان نیز پایگاه اجتماعی و اقتصادی متفاوتی داشتند. در این تحقیق نمونه‌گیری بر اساس نمونه‌گیری نظری یا مفهومی صورت گرفته است. در نمونه‌گیری نظری، مفاهیم مهم هستند و محقق به دنبال مفاهیم و موقعیت‌هایی است که افراد را به سمت دروغ‌گویی سوق می‌دهد، این مفاهیم به مقولات معنادار مرتبط با مسئله‌ی تحقیق تبدیل می‌شود.

برای گردآوری اطلاعات مرتبط با دروغ‌گویی زوجین واجد روابط بینا جنسی، ابتدا با زوج‌هایی که ازدواج دائم و قانونی انجام دادند، تماس برقرار کردیم برای یافتن افراد مورد مطالعه از طریق شبکه‌های روابط اجتماعی، مصاحبه‌هایی انجام شد و برای یافتن نمونه‌های متفاوت از نظر پایگاه اجتماعی و اقتصادی (تحصیلات، درآمد، طول مدت ازدواج، فرزند داشتن، شاغل بودن زنان مورد مطالعه) نمونه‌های متفاوتی را برای مصاحبه انتخاب کردیم. بنابراین با ۲۰ زوج (۱۰ مرد و ۱۰ زن) که ازدواج قانونی و دائم کردند مصاحبه صورت گرفت. بعد از ۱۷ مصاحبه عمیق و نیمه ساخت یافته اشباع نظری حاصل آمد. اما برای اطمینان بیشتر، مصاحبه‌ها را تا نفر بیستم ادامه دادیم. بازه‌ی سنی افراد مصاحبه شونده در ازدواج قانونی و دائم بین ۲۷ تا ۵۵ سال بود. از نظر تحصیلات نیز از سیکل تا دکترا قرار داشتند و طول مدت ازدواج نیز از ۵ سال تا ۲۰ سال بود. در مصاحبه‌ها به دنبال افرادی بودیم که مدتی از ازدواج شان گذشته باشد. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که رضایت، شادمانی و سازگاری زناشویی در ابتدای ازدواج بالاست و بعد از مدتی این احساس کاهش می‌یابد و شکل دیگری به خود می‌گیرد میزان عشق‌ورزی آنها در مراحل مختلف زندگی متفاوت است. گروه دوم یعنی کسانی که تجربه‌ی زندگی مشترک بدون ازدواج داشتند (هم‌خانگی‌ها) شناسایی و جلب اعتماد این زوج‌ها به راحتی امکان پذیر نبود. به همین منظور چند نمونه‌ی اول از راه دوستان و آشنایان معرفی شدند. بعد از مصاحبه و جلب اعتماد و اطمینان افراد مصاحبه شونده از این افراد خواسته شد تا افرادی را که تجربه هم‌خانگی دارند را معرفی کنند. بنابراین این افراد واسطه‌ی برای معرفی نمونه‌های بعدی شدند. در گروه دوم از نمونه‌گیری گلوله برفی یا نمونه‌گیری زنجیره‌ای بهره گرفته شد؛ به این دلیل که هم‌خانگی در ایران به صورت پنهانی است و افراد مورد مطالعه به راحتی شناسایی نمی‌شوند و حاضر به همکاری و مصاحبه نیستند. پس از انجام دادن ۱۵ مصاحبه اشباع نظری حاصل شد. دوره‌ی سنی افراد مورد مطالعه در هم‌خانگی‌ها بین ۲۸ تا ۴۴ سال بود. سطح تحصیلات هم از دیپلم تا دکترا بود و تجربه‌ی هم‌خانگی افراد از ۶ ماه تا ۵ سال بود. در گروه سوم مصاحبه عمیق و نیمه ساخت یافته با دختران و پسرانی که نامزد کردند صورت گرفت. در گروه اول یعنی افرادی که ازدواج قانونی و دائم انجام دادند و نیز نامزدها مصاحبه و مشاهدات از موارد ناهمگن صورت گرفت. تا داده‌ها همه‌گروه‌ها را در برگیرد. افراد سطح تحصیلی و درآمدی متفاوتی داشتند تا در نتایج جهت‌گیری نشود. گردآوری اطلاعات تا حد اشباع نظری یعنی تا جایی که داده‌ها تکراری شدند و افزایش مصاحبه‌ها

به اطلاعات موجود نمی‌افزود صورت گرفته است. در مجموع بعد از ۱۵ مصاحبه داده‌ها تکراری شدند و اشباع نظری حاصل گردید. دوره‌ی سنی دختران و پسرانی که نامزد کردند بین ۲۲ تا ۳۴ سال بود سطح تحصیلات نیز کارشناسی تا دکترا بود. تحقیق از طریق عبور از مراحل هفتگانه آشنا شدن با داده‌ها، ایجاد کدهای اولیه و کدگذاری، جست‌وجو و شناخت مضامین، ترسیم شبکه‌ی مضامین، تحلیل شبکه‌ی مضامین، تحلیل مقایسه‌ای و تدوین گزارش حاصل گردید. کدگذاری اولیه در طی مرور داده‌های جمع‌آوری شده انجام شد. استراوس و کوربین کدگذاری اولیه را این‌گونه توصیف می‌کنند: «بخشی از تحلیل که مشخصاً به نام‌گذاری و دسته‌بندی پدیده از طریق بررسی دقیق داده‌ها مربوط می‌شود». به عبارت بهتر در این نوع کدگذاری مفاهیم درون مصاحبه‌ها و اسناد و مدارک بر اساس ارتباط با موضوعات مشابه طبقه‌بندی می‌شوند که به این کار مقوله‌پردازی گفته می‌شود. مقولات دارای قدرت مفهومی بالایی هستند زیرا می‌توانند مفاهیم را به دور محور خود جمع کنند. در مرحله‌ی کدگذاری اولیه‌ی تحقیق حاضر، مصاحبه‌های صورت گرفته مورد بررسی دقیق قرار گرفت و هنگام مطالعه‌ی آن‌ها، هدف اصلی که در حقیقت کشف مؤلفه‌های الگوهای دروغ‌گویی در روابط پایدار بین جنسی شناسایی کنند، دنبال شد. نتیجه این مرحله، تقطیر و خلاصه کردن انبوه اطلاعات کسب‌شده از مصاحبه‌ها و اسناد به درون مفاهیم و دسته‌بندی‌هایی است که در این سؤالات، مشابه هستند. کدگذاری اولیه، موضوعات و مفاهیم را از عمق داده‌ها به سطح آورد. این موضوعات و مفاهیم از پرسش اولیه‌ی تحقیق و مفاهیم در ادبیات و یا واژه‌های مورد استفاده مصاحبه‌آخذ شدند. در مرحله‌ی بعد مضامین در سه گروه شکل گرفتند که در ادامه بدان‌ها اشاره می‌شود.

۵. یافته‌های پژوهش

در تحقیق حاضر جهت مطالعه‌ی عوامل مؤثر بر دروغ‌گویی در روابط بین جنسی برای هر سه گروه زوج‌های واجد ازدواج قانونی، زوج‌های نامزد و زوج‌های هم‌خانه‌ای مدل طراحی شد. عناصر تشکیل دهنده این مدل شامل مقوله و زیرمقوله‌هایی است که در آن چگونگی ارتباط میان مقوله‌ها و زیر مقوله‌ها تبیین شده است. طراحی مدل در راستای دستیابی به هدف پژوهشی تحقیق، ارائه شد. در ادامه عناصر شناسایی شده برای هر سه گروه زوج‌های واجد ازدواج قانونی، زوج‌های نامزد و زوج‌های هم‌خانه‌ای مورد بحث قرار می‌گیرد. الگوهای دروغ‌گویی در روابط بین جنسی برای هر سه گروه زوج‌های واجد

ازدواج قانونی، زوج‌های نامزد و زوج‌های هم‌خانه‌ای دارای دو بخش مؤلفه‌های اصلی و مؤلفه‌های فرعی است. این دسته از مدل‌ها از شاخص‌هایی تشکیل شده است که هسته و قلب این مدل‌ها هستند و مبنای ارزیابی نحوه‌ی دروغ‌گویی در روابط بینا جنسی در هر سه گروه زوج‌های واجد ازدواج قانونی، زوج‌های نامزد و زوج‌های هم‌خانه‌ای قرار می‌گیرند که به آنها مقوله‌های مدل می‌گویند.

الف) الگوی دروغ‌گویی در روابط بینا جنسی زوج‌های واجد ازدواج قانونی ودائم

الگوی دروغ‌گویی در روابط بینا جنسی در زوج‌های واجد ازدواج قانونی دارای ۶ مقوله‌ی اصلی است که شامل ۳۱ مقوله‌ی فرعی است. برای بسط و توسعه هر یک از مؤلفه‌ها تعدادی از مفاهیم شامل ۷۱ مفاهیم، آنها را پشتیبانی می‌کنند. مفاهیم در واقع تبیین کننده‌ی معنا و مفهوم هر مؤلفه بوده که می‌بایست در طول ارزیابی الگوی دروغ‌گویی زوج‌های واجد ازدواج قانونی مورد توجه قرار گیرند. جدول (۵-۱) مقوله‌های اصلی و تعداد مقوله‌های فرعی الگوی عوامل مؤثر بر دروغ‌گویی در روابط بینا جنسی در زوج‌های واجد ازدواج قانونی و دائم در مدل نهایی را نمایش می‌دهد.

جدول شماره ۳. عوامل مؤثر بر دروغ‌گویی
در روابط بین جنسی در زوج‌های واجد ازدواج قانونی

مقوله	زیر مقوله‌ها	کد
احساس ناامنی	۱. ترس و نداشتن احساس امنیت به خاطر تأمین نشدن نیازها توسط همسر	(مصاحبه شماره ۱۴)
	۲. حساسیت به شبکه‌های اجتماعی	(مصاحبه شماره ۲، ۶، ۷ و ۱۱)
	۳. سیاست در زندگی زناشویی	(مصاحبه شماره ۳ و ۷)
	۴. عدم اعتماد	(مصاحبه شماره ۱۹)
	۵. کنترل وسایل شخصی	(مصاحبه شماره ۲، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۰، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۶، ۱۸، ۱۹ و ۲۰)
وابستگی اقتصادی به همسر	۱. مشارکت اقتصادی محدود زنان در هزینه‌های زندگی	(مصاحبه شماره ۱۱ و ۱۲)
	۲. اشتباهات اقتصادی و ورشکستگی همسر و نداشتن کفایت و مدیریت لازم در امور اقتصادی	(مصاحبه شماره ۱۴)

(مصاحبه شماره ۲۰)	۳. متکی بودن از نظر اقتصادی به همسر	
(مصاحبه شماره ۱۰)	۴. حسابگری در رابطه اقتصادی	
(مصاحبه شماره ۱۳ و ۲۰)	۱. ارزش‌های مردسالارانه	روابط مردسالارانه
(مصاحبه شماره ۱۲)	۲. عدم قبول این ارزش‌ها توسط زنان و نگرفتن اجازه برای فعالیت‌های اقتصادی	
(مصاحبه شماره ۱۴)	۳. رفیق‌بازی	
(مصاحبه شماره ۱۱ و ۱۸)	۱. تلاش برای رضایت همسر	کسب رضایت و به دست آوردن دل همسر
(مصاحبه شماره ۵)	۲. دروغ‌گویی به همسر برای به دست آوردن زن و ایجاد رابطه بهتر	
(مصاحبه شماره ۱)	۳. معقول جلوه دادن رفتارها	
(مصاحبه شماره ۲، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۱۲، ۱۵ و ۱۷)	۴. دروغ مصلحتی	
(مصاحبه شماره ۱۱)	۵. اغراق در خواستگاری	
(مصاحبه شماره ۱۴)	۶. حفظ بنیان خانواده	
(مصاحبه شماره ۷)	۷. برآوردن نیازهای فرزندان و حمایت از آنها	
(مصاحبه شماره ۶)	۱. دروغ‌گویی در درآمد و پس‌انداز به همسر	کتمان در زندگی زناشویی
(مصاحبه شماره ۲)	۲. دروغ‌گویی مردان در محیط‌های کاری و همکاران	
(مصاحبه شماره ۱، ۲، ۱۱، ۱۳، ۱۵ و ۲۰)	۳. کتمان مسائل خانواده پدری	
(مصاحبه شماره ۳)	۴. مطرح نکردن مسائل به دلیل جزئی‌نگری	
(مصاحبه شماره ۱، ۲، ۸، ۱۰، ۱۳، ۱۶ و ۱۸)	۵. پنهان کردن حقیقت به دلیل سرزنش احتمالی	
(مصاحبه شماره ۹، ۱۳ و ۱۹)	۱. نداشتن توافق و صحبت در رابطه زناشویی	عدم تفاهم و اطمینان به رابطه زناشویی
(مصاحبه شماره ۳ و ۱۰)	۲. ترجیح دادن نظر خانواده خاستگاهی (اولیه)	
(مصاحبه شماره ۹)	۳. عدم حفظ احترام	
(مصاحبه شماره ۱۲ و ۱۷)	۴. شکاکیت	
(مصاحبه شماره ۱۰)	۵. تلاش برای تغییر همسر	

ارائه‌ی الگوی عوامل مؤثر بر دروغ‌گویی در روابط بینا جنسی در زوج‌های واجد ازدواج قانونی و دائم تبیین چگونگی ارتباط میان مؤلفه‌های اصلی و مؤلفه‌های فرعی در قالب ارائه مضمونهای تحقیق صورت گرفت. نتایج حاصل از بررسی مدل نشان داد که بر این اساس عواملی مانند احساس ناامنی، وابستگی اقتصادی به همسر، کسب رضایت و به دست آوردن دل همسر، کتمان در زندگی زناشویی، عدم تفاهم و اطمینان به رابطه زناشویی، منجر به دروغ‌گویی در روابط بین جنسی زوجهای واجد ازدواج دائم و قانونی می‌شود.

قالب شماره ۱ اظهارات مصاحبه شونده‌گان زوج های ازدواج دائم و قانونی

برای مثال یکی از مصاحبه شونده‌گان در این مورد این‌گونه اظهارنظر می‌کند: «بزرگترین دروغ رو همسر من گفت وقتی که ازش پرسیدم که باکسی ارتباط داری یا نه دروغ گفت که نه ولی من خودم فهمیدم که دروغ گفته الان فکر می‌کنم اون روزهایی که می‌گفته کار دارم یا دیر میامده پیش اون بوده الان نمیدونم که راست میگه یا دروغ چون اعتماد بهش ندارم من نمی‌خوام سریع جا رو خالی کنم و به خاطر بچه ام موندم» (مصاحبه شماره ۱۹، زن، ۴۰ ساله، لیسانس، ۷ سال است که ازدواج کرده صاحب یک فرزند و خانه‌دار).

وابستگی اقتصادی به همسر، «اگر پولی داشته باشم و بخوام پس‌انداز کنم بهش نمی‌گم چون اگر بدون پول داریم خرج می‌کنه و این پول دیگه به پرداخت قسط و هزینه‌های زندگی نمی‌رسه چون خیلی ولخرجیه و برنامه ریزی نداره و به خاطر همین کارهای من سعی می‌کنم یه پولی پس‌انداز داشته باشم که در مواقع ضروری خرج کنم خیلی بی‌فکره ما یه بار ورشکست شدیم یعنی ۵۰۰ میلیون بدهی آورد و ما مجبور شدیم خونه و هر چی داشتیم بفروشیم تا بدهی‌ها رو بدیم من نمی‌تونم تو مسائل مالی بهش اعتماد کنم چون زیاد اشتباه می‌کنه وقتی داره انقدر ولخرجی می‌کنه که نگو اصلاً به فکر آینده نیست، من باید محدودش کنم و برنامه ریزی کنم برای دخل و خرج زندگیمون» (مصاحبه شماره ۱۴، زن ۳۴ ساله، فوق لیسانس و مدرس دانشگاه، ۸ سال است که ازدواج کرده صاحب دو فرزند).

روابط مردسالارانه، «خونه و ماشین به نام خودش هست اعتقاد نداره که باید به نام زن چیزی بکنه برای همین من خیلی باهش حرف زدم تا اینکه راضی شد یه زمینی رو به نام من بزنه» (مصاحبه شماره ۲۰، زن، ۴۲ ساله، دیپلم و خانه دار ۹ سال است که ازدواج کرده

و صاحب دوفرزند). کسب رضایت و به دست آوردن دل همسر، «زن‌ها دوست ندارند که همیشه حرف حقیقت رو بشنون و برایشون ناراحت کننده است آگه یه لباسی پوشه یه دفعه ازش تعریف نکنی خوشش نیامد و میگه که تو دیگه به من توجه نداری باید هر چیزی پوشید یا هر آرایشی کرد برای اینکه دعوا نشه و ناراحت نشه بگی خیلی خوب شدی اگر بخوای حقیقت رو بگی ناراحت میشن» (مصاحبه شماره ۵ مرد، ۴۱ ساله لیسانس، حسابدار، ۱۱ سال است که ازدواج کرده و صاحب یک فرزند). کتمان در زندگی زناشویی " شوهرم مسائل خانواده اش رو هم به من اصلاً نمی گه تازه اگر من هم بفهمم دروغ می گه که این اتفاق نیفتاده یا فلان حرف را نزنن وقتی ازش می خوام که این مسائل را با من در میون بزار میگه مهم نبوده که تو بخوای بدونی یا اگر خیلی چیزها را نفهمی بهتره یا چیزی نپرس (مصاحبه شماره ۱۱ زن، ۴۴ ساله فوق لیسانس، فرهنگی ۱۳ سال است که ازدواج کرده و صاحب دو فرزند).

عدم تفاهم و اطمینان به رابطه زناشویی، «بعضی وقت ها که مریضه یا خسته است اصلاً پیشنهاد رابطه جنسی رو نمیدم دوست دارم که رضایت داشته باشه تو مردا این نیاز خیلی مهمیه مرد احتیاج داره که این نیازش رو برآورده کنه آگه زن همکاری نکنه و درک نکنه مرد مجبور میشه برای رفع این نیازش به کس دیگه ای پناه بیره نمونه اش رو هم زیاد تو جامعه می بینیم که خیلی راحت این کار رو می کنن من و همسرم درمورد روابط جنسی مون صحبت نمی کنیم و من خیلی از خواسته ها م رو نمی گم» (مصاحبه شماره ۹ مرد، دیپلم، شاغل در گمرک، ۱۵ سال است که ازدواج کرده و صاحب دوفرزند).

ب) الگوی دروغ‌گویی در روابط بینا جنسی زوج‌های نامزد

الگوی عوامل مؤثر بر دروغ‌گویی در روابط بینا جنسی در زوج‌های نامزد دارای ۴ مقوله‌ی اصلی و که شامل ۱۵ مقوله‌ی فرعی است. برای بسط و توسعه هر یک از مؤلفه‌ها تعدادی از مفاهیم شامل ۳۷ مفاهیم، آنها را پشتیبانی می‌کنند. مفاهیم در واقع تبیین کننده معنا و مفهوم هر مؤلفه بوده که می‌بایست در طول ارزیابی الگوی دروغ‌گویی زوج‌های نامزد مورد توجه قرار گیرند. جدول (۵-۱) مؤلفه‌های اصلی و تعداد مؤلفه‌های فرعی الگوی عوامل مؤثر بر دروغ‌گویی در روابط بین جنسی در زوج‌های نامزد در مدل نهایی را نمایش می‌دهد.

جدول شماره ۴. عوامل مؤثر بر دروغ‌گویی در روابط بینا جنسی در زوج‌های نامزد

مقوله	زیر مقوله	تعداد مفاهیم
تسهیل و کسب رضایت مقابل	۱. جلب اعتماد	(مصاحبه شماره ۱، ۴، ۶، ۸ و ۹)
	۲. پیمان شفافیت در رابطه	(مصاحبه شماره ۲ و ۴)
	۳. به دست آوردن عشق	(مصاحبه شماره ۶، ۷ و ۱۰)
	۴. اغراق	(مصاحبه شماره ۴، ۵، ۷ و ۱۲)
سیاست و کتمان	۱. مطرح نکردن بعضی مسائل و کتمان کاری	(مصاحبه شماره ۱، ۲، ۳، ۴، ۷، ۱۱ و ۱۲)
	۲. دروغ مصاحتی	(مصاحبه شماره ۳)
	۳. عدم تحقق وعده‌های اولیه	(مصاحبه شماره ۵)
حریم‌شناسی	۱. مچ‌گیری	(مصاحبه شماره ۱، ۴ و ۹)
	۲. کنترل مستقیم	(مصاحبه شماره ۲، ۳، ۶ و ۱۰)
	۳. کنجکاوی و عبور از حریم	(مصاحبه شماره ۵)
	۴. انتظار درک متقابل	(مصاحبه شماره ۱۲)
	۵. ترس از دست دادن	(مصاحبه شماره ۹ و ۱۰)
عدم استقلال در زندگی	۱. دخالت خانواده‌ها	(مصاحبه شماره ۳)
	۲. عدم توانایی برآوردن نیازها	(مصاحبه شماره ۵)
	۳. رودروایی	(مصاحبه شماره ۸)

ارائه الگوی عوامل مؤثر بر دروغ‌گویی در روابط بینا جنسی در زوج‌های نامزد و تبیین چگونگی ارتباط میان مؤلفه‌های اصلی و مؤلفه‌های فرعی در قالب ارائه‌ی مضمون‌های تحقیق صورت گرفت. نتایج حاصل از بررسی مدل نشان داد که بر این اساس عواملی مانند تسهیل و کسب رضایت مقابل، سیاست و کتمان، حریم‌شناسی، عدم استقلال در زندگی، منجر به دروغ‌گویی در روابط بین جنسی زوج‌های نامزد می‌شود.

قاب شماره ۲ اظهارات مصاحبه شونده‌گان زوج‌هایی که نامزد کردند

" برای این که به من اعتماد کنه و فکر نکنه که من ادم حساس و بدبینی هستم گاهی اوقات دروغ گفتم مثلاً به نظرم آرایشش زیاده و لباسش خیلی مناسب نیست چون قبلاً تذکر دادم و ناراحت شد سعی می‌کنم زیاد به این گیر ندم وقتی می‌پرسه این لباس خوبه یا اینکه دوست ندارم میگم آره خوبه" (مصاحبه شماره ۹، مرد ۳۰ساله فوق دیپلم، شغل آزاد، ۸ ماه است که نامزد کرده است).

سیاست و کتمان، "من بهش دروغ نگفتم ولی بعضی از مسائل رو بهش نمی‌گم ممکن هست در مورد خودم باشه و یا خانوادم نمی‌خوام فکر بد کنه چون هنوز شناخت ما کامل نشده و ممکن برداشت بدی بکنه که تو ذهنش بمونه برای همین بعضی مسائل رو نمی‌گم ولی دروغ نمی‌گم" (مصاحبه شماره ۱، زن ۲۲ ساله، لیسانس و خانه دار، ۶ ماه است که نامزد است).

حریم شناسی، «من هم شخصیت کنترل کننده‌ای دارم، من هم موبایلش رو نگاه می‌کردم یه بار برای گوشیش رمز گذاشت و من ناراحت شدم و گفتم که ما نباید چیزی رو از هم پنهان کنیم و رمزش رو برداشت. ولی مامانم می‌گه همیشه مردها رو کنترل کرد. اگر مردی بد باشه توی قوطی هم بزایش اون کاره خودش رو می‌کنه» (مصاحبه شماره ۶، زن، ۳۳ ساله، لیسانس، خانه دار، یک سال است که نامزد است).

عدم استقلال در زندگی «خانواده نامزدم چون از اول راضی نبودن الان به بعضی چیزها دخالت می‌کنن و یه جرقه‌هایی تو زندگی ما می‌زنن من سعی می‌کنم که چیزی نگم و مشکلی به وجود نیاد الان از نظر اقتصادی حمایت زیادی نمی‌کنن و ما باید روی پای خودمون بایستیم مثلاً بعضی چیزها رو گفتن که هزینه اش رو میدن ولی بعضی چیزها رو که قبول ندارن و فکر می‌کنن که هزینه اضافیه نمی‌دن و به من گفتن که خودتون باید هزینه اش رو بدید» (مصاحبه شماره ۳، زن ۲۷ ساله، فوق لیسانس، حسابدار ۸ ماه است که نامزد است).

ج) الگوی دروغ‌گویی در روابط بینا جنسی زوج‌های هم‌خانه‌ای

الگوی عوامل مؤثر بر دروغ‌گویی در روابط بینا جنسی در زوج‌های هم‌خانه‌ای دارای ۳ مقوله‌ی اصلی است که شامل ۱۵ مقوله‌ی فرعی است. برای بسط و توسعه هر یک از مؤلفه‌ها تعدادی از مفاهیم شامل ۳۵ مفاهیم، آنها را پشتیبانی می‌کنند. مفاهیم در واقع تبیین

کننده معنا و مفهوم هر مؤلفه بوده که می‌بایست در طول ارزیابی الگوی دروغ‌گویی زوج‌های هم‌خانه‌ای مورد توجه قرار گیرند. جدول (۵-۱) مؤلفه‌های اصلی و تعداد مؤلفه‌های فرعی الگوی عوامل مؤثر بر دروغ‌گویی در روابط بینا جنسی در زوج‌های هم‌خانه‌ای در مدل نهایی را نمایش می‌دهد.

جدول شماره ۵، عوامل مؤثر بر دروغ‌گویی در روابط بینا جنسی در زوج‌های هم‌خانه‌ای

مقوله	زیر مقوله	تعداد مفاهیم
عدم تعهد و مسؤلیت پذیری	۱. مسؤلیت کمتر زوج‌ها	(مصاحبه شماره ۱)
	۲. عدم برخورداری از حقوق قانونی	(مصاحبه شماره ۱ و ۳)
	۳. آزادی تصمیم‌گیری در رابطه	(مصاحبه شماره ۱، ۲، ۴، ۵ و ۶)
	۴. مخفی کردن از خانواده	(مصاحبه شماره ۲)
	۵. پنهان کاری و مخفی کردن	(مصاحبه شماره ۱)
خودخواهی و دنبال خواسته‌های فردی در زندگی	۱. حسادت	(مصاحبه شماره ۹)
	۲. خودخواهی	(مصاحبه شماره ۱ و ۳)
	۳. دید مردسالارانه	(مصاحبه شماره ۱ و ۴)
	۴. کنترل ارتباطات بین فردی	(مصاحبه شماره ۱)
	۵. بدبینی	(مصاحبه شماره ۷ و ۱۴)
محدودیت‌های خانوادگی و فرهنگی	۱. عدم امنیت	(مصاحبه شماره ۱، ۲، ۶، ۱۱ و ۱۲)
	۲. هنجارها و ارزشهای اجتماعی	(مصاحبه شماره ۱، ۲ و ۶)
	۳. ترس از دست دادن	(مصاحبه شماره ۲ و ۱۵)
	۴. سخت‌گیری خانوادگی	(مصاحبه شماره ۲، ۴، ۸، ۹، ۱۰ و ۱۳)
	۵. مخالفت خانواده	(مصاحبه شماره ۳)

ارائه‌ی الگوی عوامل مؤثر بر دروغ‌گویی در روابط بین جنسی در زوج‌های هم‌خانه‌ای و تبیین چگونگی ارتباط میان مؤلفه‌های اصلی و مؤلفه‌های فرعی در قالب ارائه‌ی مضمون‌های تحقیق صورت گرفت. نتایج حاصل از بررسی مدل نشان داد که بر این اساس عواملی مانند عدم تعهد و مسؤلیت‌پذیری، خودخواهی و پیگیری خودخواهانه‌ی زندگی، محدودیت‌های خانوادگی و فرهنگی، منجر به دروغ‌گویی در روابط بینا جنسی هم‌خانه‌ای‌ها می‌شود.

قاب شماره ۳، اظهارات مصاحبه‌شوندگان هم‌خانه‌ای

"من این شکل زندگی رو جذاب تر می‌دونم چون احساس می‌کنم وقتی بیشتر مال خود من هست و خیلی از کارها رو می‌تونم الان انجام بدم در صورتی که اگر ازدواج قانونی کنم نمیشه. هر موقع احساس کنم که نمی‌تونم دیگه ادامه بدم می‌تونم به راحتی (البته منظورم همین دادگاه و پاسگاه و مهریه و...) جدا بشم خیلی جاها خودم می‌رم و لزومی نداره که ایشون همراه من بیاد و بهش نمی‌گم اون هم همین طور" (مصاحبه شماره ۵ مرد، ۳۸ ساله لیسانس، تولیدکننده قطعات سرامیک، یک سال و نیم است که تجربه هم‌خانه‌ای دارد).

خودخواهی و دنبال خواسته‌های فردی در زندگی "اگر بخوام با دوستای خودم بیرون برم (منظورم دختر است باز هم ناراحت میشه) اول به روم نپاره اگه بفهمه. اما بعدش غر میزنه یا میره تو قیافه و دلش میخواد که من هر جا می‌رم به اون بگم، خودش بیشتر مواقع میگه مثلاً زنگ میزنه که من دارم با دوستانم بیرون میرم و ۲ ساعت دیگه برمی‌گردم و اطلاع میدم من هم بیشتر مواقع میگم اما بعضی وقت‌ها هم نمی‌گم و یا دروغ میگم". (مصاحبه شماره ۱، زن ۳۸ ساله فوق لیسانس، شاغل در شرکت مهندسی، یک سال است که تجربه هم‌خانگی دارد). محدودیتهای خانوادگی و فرهنگی «من خیلی دروغ می‌گفتم اصلاً دروغ گفتن عادت بود سر چیزهای خیلی جزیی هم دروغ می‌گفتم مثلاً در مورد درآمد یا اینکه کجا رفتم با کی رفتم زیاد دروغ می‌گفتم. مادر من خیلی سخت گیر بود من رو خیلی تحت فشار قرار می‌داد و کنترل بیش از حد می‌کرد. من حق نداشتم با دوستانم جایی برم یا تولدشون و یا خونشون برم اون موقع من مدام به مادرم دروغ می‌گفتم چون هیچ آزادی نداشتم نمی‌تونستم مثل دوستانم رفتار کنم با بقیه بیرون برم، از این مدل زندگی‌مون هم خانواده‌ها مون خبر ندارن چون باهش مخالفت می‌کنند." (مصاحبه شماره ۲، زن ۳۳ سال لیسانس، شاغل در شرکت تبلیغاتی، ۱۱ ماه است که تجربه هم‌خانگی دارد).

۶. نتیجه‌گیری

در تحقیق حاضر الگوهای دروغ‌گویی در روابط پایدار بین جنسی سه گروه زوج‌های واجد ازدواج دائم و قانونی، زوج‌های نامزد و زوج‌های واجد هم‌خانه‌ای مورد بررسی قرار گرفت. یافته‌های تحقیق نشان داد که عواملی مانند احساس ناامنی، وابستگی اقتصادی به همسر، روابط مردسالارانه، کسب رضایت و به دست آوردن دل همسر، کتمان در زندگی

زناشویی و عدم تفاهم و اطمینان به رابطه زناشویی باعث دروغ‌گویی در بین زوج‌های ازدواج دائم و قانونی می‌شود. بر اساس اظهارات زوج‌های واجد ازدواج دائم و قانونی مشخص شد که نوع روابط شکل گرفته در این نوع رابطه‌ی با توجه به چند مجرای بودن رابطه و تکیه اقتصادی به همسر بیشتر از نوع رابطه‌ی تام است. و یافته‌های این مقاله با دیدگاه محدثی در باب کثرت دروغ‌گویی در روابط اجتماعی تام تبیین می‌شود. در این نوع رابطه افراد در همه یا اکثر جوانب زنده‌گی به شراکت می‌پردازند: از بعد اقتصادی گرفته تا بعد عاطفی، جنسی، اجتماعی، و غیره. معمولاً، در این‌گونه روابط افراد بیش‌ترین تعامل را با یک‌دیگر دارند و حول مهم‌ترین و حیاتی‌ترین نیازهای آن‌ها شکل می‌گیرد: نیاز به امنیت و برخورداری از حمایت، نیاز عاطفی، نیاز جنسی، نیاز به تأیید و به رسمیت شناخته شدن، نیاز اقتصادی و نیاز به همراهی در روابط خویشاوندی و اجتماعی، و غیره. وجود رابطه تام بین زوج‌های واجد ازدواج دائم و قانونی انتظارات متعددی را از همدیگر بوجود می‌آورد و بیش‌ترین شناخت از هم را شکل می‌دهد و سبب اعمال بیش‌ترین کنترل می‌شود. به همین دلیل، امکان این‌که آنان به‌آسانی و هر چه بیش‌تر از رفتار و عمل کرد یک‌دیگر ناخشنود شوند، بسیار زیاد است. بر اساس اظهارات زوجین، آنان بیش‌ترین آگاهی را از امور خصوصی و شخصی یک‌دیگر دارند و بیش‌ترین نظارت را بر کار و رفتار و احوال یک‌دیگر دارند. به همین دلیل، در روابط تام، طرفین -گاه بی‌آن‌که متوجه باشند- فشار زیادی بر یک‌دیگر وارد می‌کنند و حجم زیادی از وظایف را برای هم تکلیف می‌کنند. همچنین تکیه‌ی اقتصادی زوجین به هم باعث می‌شود فشار بر آنان چندین برابر شود و در بسیاری از مواقع برای حفظ همدیگرو یا برای رهایی از فشار به دروغ متوسل شوند. نوع دروغ در این نوع رابطه با توجه به اینکه رابطه‌ای تام است، از نوع مفر است. این موقعیت حاکی از شرایطی است که کنشگر تحت فشار بیرونی قرار گرفته و برای فرار و خلاصی از این نوع فشار دروغ می‌گوید. فشار به معنی هر عاملی است که آدمی را در نوعی حالت تنش‌زا و یا وضعیت اجتماعی رنج‌آور و آزاردهنده قرار می‌دهد (محدثی و فلسفی، ۱۳۹۴).

همچنین نتایج درباره‌ی الگوی دروغ‌گویی روابط بینا جنسی زوج‌های نامزد نشان داد که عواملی مانند تسهیل و کسب رضایت مقابل، سیاست و کتمان، حریم‌شناسی و عدم استقلال در زندگی منجر به دروغ‌گویی در زوج‌های نامزد می‌شود. با توجه به اینکه در زمان نامزدی زوج‌ها هنوز به‌صورت کامل به هم تکیه نکرده‌اند و نوع رابطه آن‌ها بسیار محدودتر است. نامزدها معمولاً در مجموعه‌ای از امور زنده‌گی‌شان به‌طور مشترک درگیر می‌شوند.

ولی معمولاً رابطه‌ی نامزدها رابطه‌ی اجتماعی تام نیست. البته گاه رابطه‌ی نامزدها چنان همه‌جانبه می‌شود که به رابطه‌ای تام بدل می‌گردد. دروغ‌گویی در رابطه بین زوج‌های نامزد نسبت به زوج‌های قانونی به مراتب کمتر شکل می‌گیرد. با توجه به اینکه نامزدها در این رابطه سعی بر حفظ آن و خشنودی خانواده طرف دارند، نوع دروغ‌گویی آن‌ها از نوع تسهیل است. این نوع دروغ‌گویی بیشتر ناظر به شرایط تعاملات در زندگی است که کنشگران درگیر و دچار آن‌اند؛ شرایطی که مبتنی بر تعارفها، شرم حضور، رعایت انواع آداب اجتماعی و نبود صراحت‌هایی است که همه ما در تجربیات روزمره‌مان با آن‌ها روبه‌رو می‌شویم؛ یعنی در موقعیت‌هایی که تمایل یا توانایی مان برای گفتن حقیقت بسته به زمان، مکان، موقعیت‌ها و اشخاص متفاوت تغییر می‌کند. در روابط نامزدها شرایطی پیش می‌آید که از نظر محدثی افراد نه تحت فشار و نه به خاطر علایق ارزشی یا سودمحورانه، بلکه برای تلطیف و تسهیل در روابط و به علت تداوم روابط اجتماعی‌شان، و نیز به علت دوری از خصومتها، دلخوریها و سوءتفاهمها دروغ می‌گویند (محدثی و فلسفی، ۱۳۹۴).

همچنین یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که الگوی دروغ‌گویی زوج‌های هم‌خانه با توجه به تفاوت ماهوی رابطه‌ی آن با دیگر پیوندها، متفاوت است. اظهارات مصاحبه‌شونده‌ها درباره‌ی دلایل و شرایط دروغ‌گویی در روابط زناشویی در زوج‌های هم‌خانه، نشان داد که عواملی مانند عدم تعهد و عدم مسؤولیت‌پذیری، خودخواهی و پی‌گیری خودخواهانه‌ی خواسته‌های فردی در زندگی و محدودیت‌های خانوادگی و فرهنگی منجر به دروغ‌گویی در رابطه می‌شود. با توجه به نوع رابطه زوجین هم‌خانه و کتمان نوع رابطه از خانواده و دیگران میزان دروغ‌گویی در روابط بینا جنسی این زوج‌ها نسبت به زوج‌هایی که ازدواج دائم و قانونی کردند کمتر است. با توجه به اینکه آنان از نظر اقتصادی بهم وابسته نیستند و زوجین مسؤولیت و تعهد کمتری نسبت به هم دارند و بیشتر به دنبال لذت در رابطه هستند، در نتیجه میزان خشنودی در این زوج‌ها بالاتر است. با توجه به نفعی که زوجین از رابطه می‌برند، نوع دروغ‌گویی در این رابطه از نوع سلاح و دام است. " کنشگران بدون اینکه در موقعیت فشار قرار داشته باشند، با نیت رسیدن به منافعشان دروغ می‌گویند. در موقعیت فشار، فرد هدف را تعیین نکرده است؛ بلکه بر او تحمیل شده است، اما در این نوع از دروغ‌گویی، هدف از پیش مشخص است و فرد آگاهانه و با حدی از طراحی و برنامه‌ریزی در پی کسب آن است. در این دروغ‌گویی زوج‌ها ممکن است برای به دست آوردن لذت به هم دیگر دروغ گویند. محدثی (۱۳۸۸) برای اینکه توضیح جامع‌تری از این دروغ ارائه دهد، نخست به تعاریف مفاهیم علاقه، نفع یا سود و

ارزش و عقلانیت پرداخته است. او نوع مفهوم علایق را با الهام از علی شریعتی به دو دسته علایق خودخواهانه و دگرخواهانه دسته بندی می‌کند. کنشگران یا برای علایق سودمحور دروغ می‌گویند یا برای علایق ارزش محورشان. محدثی دروغ‌گویی معطوف به علایق را به‌طور عام، به دو نوع خودخواهانه، یعنی معطوف به سود و دگرخواهانه یا معطوف به ارزش (ارزش‌های انسانی) و اخلاقی تقسیم می‌کند. مفهوم سود در روابط بین جنسی زوج‌های هم‌خانه بدین معناست که افراد هنگام کنشهای خودخواهانه در پی افزایش لذت و منافع مادی یا غیر مادی خود هستند." در جدول زیر به مقایسه الگوی دروغ‌گویی در سه گروه زوج‌های واجد ازدواج قانونی، زوج‌های واجد نامزد و زوج‌های واجد ازدواج سفید پرداخته می‌شود.

جدول شماره ۶، مقایسه‌ی الگوی دروغ‌گویی در سه نوع رابطه‌ی بین جنسی

ردیف	گروه	نوع رابطه	سبک دروغ‌گویی	میزان دروغ‌گویی
۱	ازدواج قانونی و دائم	رابطه‌ی تام	معطوف به مفر	بیشتر ازدوگروه زیاد
۲	زوج‌های نامزد	رابطه‌ی محدود	معطوف به تسهیل	کمترین میزان دروغ‌گویی
۳	زوج‌های هم‌خانه	رابطه‌ی غیر تام	معطوف به سلاح	دروغ‌گویی متوسط

همان‌طور که در جدول فوق نیز مشخص شده است، زوج‌های واجد ازدواج قانونی به دنبال عقد رسمی و تعهد و مسئولیت قانونی و اجتماعی‌ای که نسبت به هم دارند دارای روابط اجتماعی تام هستند و سبک دروغ‌گویی آن‌ها از نوع مفر است. در زوج‌های نامزد با توجه به ماهیت دوران نامزدی و احساس زوجین به اثبات خویش به خانواده‌ها نوع رابطه محدود است که استعداد تبدیل شدن به رابطه‌ی تام را دارد. نوع دروغ‌گویی در این نوع رابطه تسهیل است، زوجین بیشتر خود را موظف به رعایت آداب و رسوم و به جا آوردن آدابهای فرهنگی و اجتماعی می‌دانند. در گروه زوج‌های هم‌خانه به دلیل تفاوت نوع تعهد نسبت به زوج‌های واجد ازدواج قانونی و زوج‌های نامزد، نوع رابطه در این زوجها غیر تام است و زوجها کمتر احساس مسئولیت و تعهد نسبت به هم دارند و با توجه به تمایلات لذت‌گرایانه آن‌ها از خشنودی و رضایت بالاتری برخوردار هستند و نوع دروغ‌گویی آن‌ها به همدیگر از نوع سلاح است.

در مقایسه‌ی بین الگوهای شناسایی شده برای سه گروه زوج‌های واجد ازدواج قانونی، زوج‌های نامزد، و زوج‌های هم‌خانه‌ای یافته‌های تحقیق نشان داد که در زوج‌های قانونی با توجه به تکیه‌ی اقتصادی زوجین به هم و تلاش برای کسب رضایت همسر نوع رابطه براساس روابط تام شکل می‌گیرد و زوج‌های قانونی در اکثر جوانب زنده‌گی به شراکت می‌پردازند از بعد اقتصادی گرفته تا بعد عاطفی، جنسی، اجتماعی. در این رابطه زوجین بیش‌ترین تعامل را با یک‌دیگر دارند. به همین دلیل، آنان زمان قابل توجهی را در ارتباط با یک‌دیگر سپری می‌کنند. در زوج‌های نامزد براساس یافته‌های تحقیق با توجه به تلاش برای کسب رضایت همدیگر و اثبات خود به خانواده‌های طرفین دروغ‌گویی ماهیتی متفاوت نسبت به زوج‌های قانونی پیدا می‌کند. نوع دروغ‌گویی که در زوج‌های نامزد اتفاق می‌افتد ناظر به شرایط تعاملات با خانواده‌ی طرفین است و زوج‌های نامزد درگیر مجموعه‌ی شرایطی مبتنی بر تعارفها، شرم حضور، رعایت آداب اجتماعی و نبود صراحت‌هایی است که به خاطر کسب رضایت طرف و اثبات خود رخ می‌دهد. به همین دلیل نوع اقرار به حقیقت در این زوج‌ها بسته به زمان، مکان و موقعیت‌های متفاوت تغییر می‌کند. در این رابطه دروغ‌گویی از شرایطی حاصل می‌شود که مرتبط است با فرهنگ، اعتقادات، عرف و اخلاقیات حاکم بر آن که بر جهت‌گیری کنشهای افراد تأثیر می‌گذارد. در زوج‌های هم‌خانه‌ای در مقایسه با زوج‌های قانونی و زوج‌های نامزد، خشنودی بالاتری شناسایی شد. افراد با توجه به اینکه در روابط زوج‌های هم‌خانه‌ای شاهد روابط ناقص هستیم و نسبت به دیگر زوج‌ها از روابط به مراتب پایین‌تری با اجتماع و خانواده‌ها دارند، منجر به کاهش مسئولیت و فشارهای ناشی از انتظارات جامعه و خانواده‌ها می‌شود. همچنین عدم تکیه اقتصادی تام زوجین به همدیگر باعث می‌شود سطح انتظارات آنها از همدیگر کاهش پیدا کند. علی‌رغم محدودیت‌های فرهنگی و اجتماعی که برای زوج‌های هم‌خانه‌ای وجود دارد، سطح دروغ‌گویی در بین این زوج‌ها (بنا بر اظهارات مصاحبه شونده‌گان) کمتر از زوج‌هایی است که ازدواج دائمی و قانونی داشتند. در رابطه‌ی بین زوج‌های هم‌خانه‌ای بدون اینکه زوج‌ها در موقعیت فشار قرار داشته باشند، با نیت رسیدن به منافعشان دروغ می‌گویند. در موقعیت فشار که در زوج‌های قانونی بیشتر مشاهده می‌شد، فرد هدف را تعیین نکرده است، بلکه بر او تحمیل شده است. دروغ‌گویی از نوع سلاح که در بین زوج‌های هم‌خانه‌ای رخ می‌دهد، هدف از پیش مشخص است و فرد آگاهانه و با حدی از طراحی و برنامه‌ریزی در پی دستیابی به خواسته‌های فردی است. در این رابطه

زوجین جهت دستیابی به موقعیتی رضایت‌بخش و برای جلب نظر همدیگر متوسل به دروغ می‌شوند.

در مقایسه‌ی الگوی طراحی شده با ادبیات و مبانی نظری تحقیق در خصوص الگوی دروغ‌گویی در روابط بین‌جنسی، یافته‌های تحقیق حاضر در حوزه عوامل مؤثر بر دروغ‌گویی در روابط بین‌جنسی با تحقیق محدثی و فلسفی (۱۳۹۴)، که در آن محدثی دروغ‌گویی را در موقعیت‌های مختلف طراحی و دسته‌بندی کرده است و نیز با مفهوم تبیینی رابطه‌ی اجتماعی تام‌وی بیش‌ترین مطابقت را دارد. این تحقیق مکمل پژوهش‌های قبلی محدثی درباره‌ی دروغ‌گویی است. محدثی پیش از این بر این نکته تأکید داشته است که دروغ‌گویی پدیده‌ای زبانی است و زبان امری اجتماعی است و کاربرد زبان نیز متأثر از عدم تقارن‌های اجتماعی است عدم تقارن‌های اجتماعی منتهی به تضاد اجتماعی می‌شود ریشه‌های تضاد اجتماعی در میل، موضع، منافع وایدئولوژی کنشگران فردی و جمعی قرار دارد. هماهنگی میان کنش‌گران (اعم از وفاق و توافق، شکننده و کوتاه‌مدت‌اند). کاربرد زبان بیش از آنکه تابع اصول اخلاقی باشد تابع موقعیت اجتماعی است. (محدثی، ۱۳۹۴: ۱) تحقیق کنونی نیز این دیدگاه را درباره‌ی دروغ‌گویی در قلمرو خانواده و روابط بین‌جنسی دنبال کرده است. نتایج این تحقیق با اصول و نتایج تحقیقات قبلی محدثی هماهنگی داشته است.

پی‌نوشت

۱. گریس: ماده‌ای چرب و روغنی و نرم است که سبب کاهش صدا و ارتعاش و اصطکاک قطعات و چرخ‌دنده‌ها ماشین‌ها می‌شود.

کتاب‌نامه

- اترک، حسین (۱۳۸۸) چیستی دروغ، آیین‌نامه معرفت، شماره ۲۰، پاییز ۱۳۸۸، صص ۱۴۳-۱۶۹
- اترک، حسین (۱۳۹۲) معنای دروغ مصلحت‌آمیز، نشریه پژوهش‌های فلسفی دانشگاه تبریز، سال ۷، بهار و تابستان ۹۲ شماره مسلسل ۱۲ صص ۱-۲۵
- اسعدی، سمانه، امیری، شعله، مولوی، حسین (۱۳۸۶) بررسی تجول‌درک مفهوم دروغ و اشتباه در کودکان: تمایز دروغ و اشتباه، مجله روانشناسی ۴۳، سال یازدهم شماره ۳، پاییز ۱۳۸۶ صص ۲۸۸-۳۰۱
- بازرگان، مهدی (۱۳۹۳) دروغ و نقش آن در دین و دنیای ما، تهران، نشر کویر

۱۱۶ مطالعه جامعه‌شناختی دروغ‌گویی در روابط بیناجنسی مورد زوج‌های تهران (۱۳۹۵-۱۳۹۶)

تنهایی، ح.ا. (۱۳۹۱)، جامعه‌شناسی معرفت و معرفت‌شناسی نظریه، انتشارات بهمن برنا، چاپ اول بهار ۱۳۹۱

ریترز، جورج (۱۳۷۴)، نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی چاپ دوم سفیری، خدیجه و ذاکری همامانه، راضیه (۱۳۹۳)، بساخت مفهوم اعتماد به همسر در فضای مجازی (مورد مطالعه: زنان ساکن شهر یزد" فصلنامه علمی و پژوهشی زن و جامعه سال پنجم شماره دوم تابستان ۱۳۹۳

سعیدیان، محسن (۱۳۸۸)، دروغ و تهمت: توریه و تقیه، مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر دستغیب، عبدالحسین (۱۳۸۴) دروغ، تهران: نشر ناس

عابدی جعفری، حسن؛ تسلیمی، محمد سعید؛ فقیهی، ابوالحسن؛ شیخ زاده، محمد (۱۳۹۰) تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی، اندیشه مدیریت راهبردی، سال پنجم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۰، شماره پیاپی ۱۰ صص ۱۵۱-۱۹۸
کتبی، مرتضی (۱۳۷۷) "جایگاه دروغ و الگوهای رفتاری آن در روابط اجتماعی ما"، نامه علوم اجتماعی، شماره ۱۲

کراب، یان (۱۳۸۹)، نظریه اجتماعی کلاسیک، مقدمه ای بر اندیشه مارکس، ویر، دورکیم و زیمل، ترجمه شهناز مسمی پرست، انتشارات آگاه چاپ پنجم

گیدنز، آنتونی (۱۳۸۴) جامعه‌شناسی. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: نشرنی، چاپ چهاردهم.

محدثی گیلوایی، حسن، فلسفی، دریا (۱۳۹۴)، تحلیلی جامعه‌شناختی از آمادگی برای دروغ‌گویی، پژوهش‌نامه‌ی زنان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ششم شماره اول بهار و تابستان؛ ، ۱۳۹۴ صص ۱۳۳-۱۵۵

محدثی، حسن (۱۳۸۸)، بررسی وضعیت صداقت عمومی و راه کارهای ارتقای آن، شورای انقلاب فرهنگی

محدثی گیلوایی، حسن (۱۳۹۴) دروغ‌گویی در انتخابات: اشکال، سطوح، و پی آمدها.

- Barnes, J. A. (1994). *Pack of Lies: Towards a Sociology of lying*, Cambridge university press
- HyeJeongChoia, HeeSun Parkb, JuYeonOhc (2011) Cultural differences in how individuals explain their lying and truth-telling tendencies, *International Journal of Intercultural Relations* 35 (2011) 749– 766
- Martin, b. (2004) telling lies for a better world, Published in *Social Anarchism*, No. 35, 2003-2004, pp. 27-39
- Talwar, V., & Crossman, A. (2011). From little white lies to filthy liars: The evolution of honesty and deception in young children. In J. Benson (Ed.). *Advances in child development and behavior* (Vol. 40, pp. 139–179